

رابطه امنیت ملی و تجارت بین‌الملل

مطالعه موردی، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین‌الملل

موسی موسوی زنوز¹

تاریخ پذیرش: 1393/2/2

تاریخ دریافت: 1392/11/14

چکیده

تأمین منافع ملی، مهم‌ترین معیار کشورها در تمام اقدام‌های آن‌ها در زمینه‌های گوناگون است. در این مقاله، رابطه متقابل امنیت ملی با تجارت بین‌الملل، مورد بررسی گرفته که بر اساس آن با شناسایی مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در قبال مردمان‌شان در حوزه امنیت اقتصادی، دو رویکرد کلی در رابطه با تجارت، یعنی حمایت‌گرایی و آزادسازی تبیین شد، و در ادامه، تأثیرهای مثبت و منفی تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی کشورها و همچنین بر تجارت خارجی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. از آن‌جا که تجارت بین‌الملل و ملاحظات امنیت ملی هر یک می‌تواند دیگری را تضعیف یا تقویت کند، این مقاله بر لزوم ترکیب منطقی سیاست‌های آزادسازی تجاری و حمایت‌های مقتضی در کشورمان، به‌ویژه از طریق هم‌گرایی با ترتیبات تجاری بین‌المللی، همچون سازمان جهانی تجارت به‌منظور تحقق مهم‌ترین اهداف جنبه‌های اقتصادی امنیت ملی، یعنی توسعه و رفاه اقتصادی تأکید دارد.

کلید واژه‌ها: امنیت ملی، تجارت بین‌الملل، آزادسازی تجاری، حمایت‌گرایی،

محدودیت‌های تجاری، تحریم اقتصادی

1- مقدمه

پیوند میان تجارت بین‌الملل و امنیت ملی، تاریخی طولانی دارد. شاید بتوان ریشه دیدگاه‌هایی را که به رابطه میان تجارت بین‌الملل و امنیت ملی توجه کرده‌اند، در نظریه‌های مرکانتیلیستی قرون 15 و 16 میلادی، ملاحظه کرد. مرکانتیلیست‌ها، تجارت را وسیله کسب قدرت می‌دانستند. جمله "همسایه‌ات را گدا کن"²، از معروف‌ترین شعارهای منتسب به مرکانتیلیست‌هاست که تجارت را در افزایش و کسب تراز تجاری مثبت برای قدرتمند شدن خلاصه می‌کردند (Kennet, 2003: 49-53; Mercurio, Lester, Davies, Leitner, 2008: 24). در دوران معاصر، پیچیدگی روابط در محیط داخلی و بین‌المللی دولت‌ها، موجب درهم‌تنیدگی هر چه بیشتر تجارت بین‌الملل با منافع امنیت ملی آن‌ها گردید. این واقعیت پس از جنگ جهانی دوم و

¹ - استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و استاد مدعو دانشگاه تهران پردیس بین‌المللی ارس
mmz1344@yahoo.com

علی‌الخصوص پایان گرفتن دوره جنگ سرد، با کاهش نسبی درجه اهمیت جنبه‌های نظامی و سیاسی امنیت ملی و افزایش اهمیت جنبه‌های دیگر، به‌خصوص اقتصادی امنیت ملی، نمود آشکارتری یافت. اگر در گذشته امنیت ملی بیشتر و در اساس به‌عنوان دلیل توجیه‌کننده محدودیت تجارت خارجی کشورها مورد استفاده قرار می‌گرفت، امروزه ملاحظات امنیت ملی، به‌ویژه امنیت اقتصادی، همچون توسعه و رفاه اقتصادی، موجب رویکرد مثبت دولت‌ها به تجارت بین‌الملل نهادینه شده در قالب انواع هم‌گرایی‌های تجاری همچون موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و آزاد، اتحادیه‌های گمرکی و بازارهای مشترک دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی (سازمان جهانی تجارت) شده است.

این مقاله به دنبال آن است که با تکیه بر تعاریف قابل اتکای ارائه شده از امنیت ملی¹، جنبه‌های مختلف آن را تحت عناوین امنیت نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و انسانی، معرفی، و سپس رابطه دوسویه امنیت ملی (به‌خصوص جنبه اقتصادی آن) را با تجارت بین‌الملل تبیین کند. از مهم‌ترین موضوع‌های مورد بررسی در این مسیر، انواع تحریم‌ها یا محدودیت‌های تجاری اعمال شده توسط دولت‌ها در تجارت با جهان به‌طور عام، یا کشور و گروهی از کشورها به‌طور خاص خواهد بود. در این مقاله، همچنین به‌طور ویژه، اهمیت تجارت بین‌الملل را از دیدگاه امنیت ملی کشورمان بررسی خواهیم کرد.

پرسش اصلی پیش‌روی تحقیق این است که "در فضای جهانی شدن، درپیش‌گرفتن چه سیاست‌های تجاری به تقویت امنیت ملی کمک می‌کند؟" فرضیه مقاله در پاسخ به این پرسش نیز عبارت است از "لزوم ترکیب منطقی سیاست‌های آزادسازی تجاری و حمایت‌های اقتصادی، به‌ویژه از طریق هم‌گرایی با ترتیبات تجاری بین‌المللی، همچون سازمان جهانی تجارت به منظور تحقق مهم‌ترین اهداف جنبه‌های اقتصادی امنیت ملی، یعنی توسعه و رفاه اقتصادی".

2- رویکردهای نظری به امنیت اقتصادی

بسیاری از اندیشمندان، امنیت ملی را نهادی ابهام‌آمیز دانسته‌اند (هافندرون، 1371: 3). این امر از یک سو به جنبه‌های ذهنی و روانی مفهوم مزبور مربوط می‌شود، و از سوی دیگر از ماهیت پیچیده آن ریشه می‌گیرد، که عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی را شامل می‌گردد، (بهزادی، 1352: 111 و 112؛ ماندل، 1379: 40). در گذشته، امنیت نظامی، مهم‌ترین و حتی به‌زعم برخی، تنها جنبه امنیت ملی شناخته می‌شد (میرمحمدی، 1384: 218)، اما به قول ریچارد اولمان "تعریف امنیت ملی، صرفاً (و یا حتی به‌طور عمده) بر مبنای جنبه نظامی، تصور عمیقاً نادرستی از امنیت را به ذهن متبادر می‌کند (هافندرون، 1371: 3). به هر حال با توجه به تعاریف مختلف ارائه شده، می‌توان گفت، امنیت ملی شرایط و فضایی (اعم از ملی و فراملی) است که یک کشور در آن قادر است اهداف و ارزش‌های حیاتی مورد نظر خود را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش دهد، یا حداقل در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عوامل داخلی و خارجی، آن‌ها

¹ برخی منابع بررسی شده عبارت‌اند از: هافندرون، 1371، بهزادی، 1352؛ بابایی، 1369؛ سازمان برنامه و بودجه، 1368؛ عامری، 1370؛ تهامی، 1390؛ Symonide و Volodin، 1995؛ و Sorensen، 1990.

را حفظ نماید. حفظ جان، مال و آزادی مردم، تمامیت ارضی کشور، حفظ استقلال و حاکمیت نظام سیاسی و اقتصادی کشور نیز به‌عنوان مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده امنیت ملی معرفی شده‌اند و در این میان رفاه اقتصادی، حفظ و افزایش قدرت و پرستیژ کشور از جمله اهداف حیاتی به حساب آمده‌اند (عامری، 1370: 172-179؛ ناجی‌راد، 1387: 144). بر این اساس، امنیت نظامی که متضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور کشور است، هنوز هم نزدیک‌ترین پیوند را با امنیت ملی دارد (ولی‌پور رزومی، 1376: 24)؛ اما محدودیت کاربرد ابزارهای نظامی به علت توسعه تکنولوژی در سطح جهان، مخالفت افکار عمومی با جنگ، بالا رفتن هزینه جنگ و افزایش لطمات و خسارات جنگی، موجب کاهش ابعاد نظامی امنیت ملی و به موازات آن افزایش اهمیت ابعاد دیگر آن شده است (ازغندی، 1374: 112).

امروزه، امنیت اقتصادی به جدی‌ترین نگرانی‌های دولت تبدیل شده که نتیجه اصلی آن تحکیم بنیان‌های اقتصاد ملی و رهانیدن آن از آسیب وابستگی به کشورهای دیگر است. برای نمونه، اقتصاد کشورهای در حال توسعه به کشورهای بزرگ صنعتی وابسته شده است، که از وجوه مهم این واقعیت، تک محصولی بودن و وابستگی شدید به سرمایه و کالا و تکنولوژی کشورهای پیشرفته است که امنیت اقتصادی این کشورها را سخت آسیب‌پذیر نموده است. تأمین استقلال اقتصادی کشورهای در حال توسعه از مهم‌ترین شرایط پیش‌برد امنیت ملی آن‌هاست. در این خصوص، توسعه اقتصادی، مهم‌ترین نقش را در تأمین امنیت اقتصادی می‌یابد (تودارو، 1377: 6).

اهمیت امنیت اقتصادی برای کشورهای پیشرفته، اگر از کشورهای در حال توسعه بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ به طوری که گفته شده، در روابط میان قدرت‌های جهانی، رقابت در اطراف مسائلی چون تولید بهترین محصولات، ارتقای سطح زندگی مردم، برخورداری از نیروی کار تحصیل‌کرده و ماهر، سرمایه‌گذاری در تولیدات صنعتی، تحقیق و توسعه و تأسیسات زیربنایی و مانند این‌ها دور می‌زند (تارو، 1373: 33 و 34؛ Sorensen، 1990: 50). رابرت ماندل، امنیت اقتصادی را "میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی" می‌داند (ماندل، 1379: 87). امنیت سیاسی و اجتماعی، امنیت انسانی و بین‌المللی، از دیگر پارامترهای امنیت ملی‌اند که به لحاظ نبود ارتباط مستقیم با موضوع تحقیق، در این جا از آن‌ها عبور می‌کنیم.¹

پس از جنگ جهانی دوم، نقش مؤلفه‌های اقتصادی در امنیت ملی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفت. به‌نظر بسیاری از نویسندگان، این روند در دوران پس از جنگ سرد هر چه بیشتر تقویت شد (پورسید، 1382: 33). نظریه‌پردازان، در این دوره نزدیک به هفتاد ساله، تعاریف مختلفی از امنیت اقتصادی ارائه کرده‌اند که هر یک مؤلفه‌هایی چند را برای این مفهوم برشمرده است. در این میان، حضور فعال در عرصه تجارت بین‌الملل با گذشت زمان، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (روحانی، 1391: 583).

¹ برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه شود به هانتینگتون، 1370: 13؛ روشندل، 1387: 113-111؛ کر، 1387: 626-601؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1384: 3؛ روحانی، 1389: 20؛ Mische، 1989: 191؛ و UI Haq، 1994: 1.

در بررسی رابطه تجارت بین‌الملل و امنیت ملی، توجه بیشتر نویسندگان معطوف به تأثیرهای محدودکننده ملاحظات امنیت ملی بر تجارت بین‌الملل بوده است (موسوی زنوز و مرادی، 1392: 141-145)؛ البته برخی تحقیقات نیز هریک به بخشی از تأثیرهای مثبت تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی پرداخته‌اند (US International Trade Commission، 1997، UI Islam، 1999؛ خضری، 1384؛ Lawrence و Bodansky، 2009). تحقیقات زیادی به بررسی تأثیر وابستگی اقتصادی دولت‌ها به یکدیگر بر کاهش اختلاف میان آن‌ها (Ward، 2009، Maoz، 2009) و دیگران، (2007) و تأثیر اختلاف میان دولت‌ها بر سطح کلی تجارت (Oneal و دیگران، 2003) اختصاص یافته است. گروه دیگری از محققین به تأثیر اتحادهای سیاسی-امنیتی بر تجارت پرداخته‌اند (Long و Leads، 2006). آخرین تحقیقات در این حوزه، تأثیر موافقت‌نامه‌های تجاری را بر امنیت ملی کشورها بررسی کرده است (Aggarwal و Govella، 2013). به‌طور خلاصه می‌توان گفت، تعامل دوسویه میان تجارت بین‌الملل و امنیت ملی - به‌ویژه با محوریت جمهوری اسلامی ایران - تاکنون مورد توجه خاص هیچ محقق قرار نگرفته است.

رویکرد این مقاله برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق عبارت است از تبیین مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در حوزه امنیت اقتصادی و تأکید بر نقش تجارت بین‌الملل و ترکیب منطقی سیاست‌های آزادسازی تجارت و حمایت‌گرایی در تحقق اهداف مورد نظر. در این خصوص، تأثیرهای متقابل تجارت بین‌الملل و امنیت ملی با تکیه بر تجربیات کشورها، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران بررسی خواهد شد.

3- وظایف دولت‌ها در قبال مردم در حوزه امنیت ملی اقتصادی

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت، دولت‌ها در حوزه امنیت اقتصادی در اساس دو وظیفه عمده مستقیم در قبال مردم‌شان بر عهده دارند؛ اول، تأمین محیط لازم برای گسترش و پیشرفت بخش‌های مختلف اقتصادی، به‌خصوص بخش‌های تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی به‌عنوان مبنای اصلی تولید درآمد، و به‌طور خلاصه، تأمین توسعه اقتصادی کشور؛ دوم، ایجاد و برقراری شرایط رفاه اقتصادی آحاد جامعه از نظر برخورداری از امکان مصرف با کیفیت‌ترین کالاها و خدمات در بهترین شرایط، و به‌طور مشخص، با نازل‌ترین قیمت‌ها. وظیفه اول به‌طور عمده متضمن اعمال حمایت‌های گسترده از بخش‌های اقتصادی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی است، حمایت‌هایی که به‌طور معمول با استفاده از ابزارهای مالی، اعتباری و تجاری قابل تحقق است.

ابزارهای مالی را می‌توان در قالب معافیت‌های مالیاتی و تأمین نهاده‌های یارانه‌ای خلاصه کرد. منظور از استفاده از ابزارهای اعتباری، به‌طور مشخص، تأمین اعتبارات ارزان قیمت با نرخ بهره ترجیحی است، و در نهایت، برقراری تعرفه‌های وارداتی بالا و محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای همچون ممنوعیت‌ها و سهمیه‌های وارداتی برای محدودکردن یا جلوگیری از ورود کالاهای رقیب محصولات داخلی یا حتی برقراری مشوق‌هایی چون اعطای یارانه و جوایز صادراتی به‌منظور افزایش توان صادراتی تولیدکنندگان داخلی؛ این اقدامات را می‌توان به‌عنوان برجسته‌ترین ابزارهای تجاری برای حمایت از بخش‌های اقتصادی داخلی برشمرد.

ایفای وظیفه دوم، مستلزم برقراری سازوکارهای نظام بازار آزاد به منظور افزایش رقابت میان عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و در نتیجه افزایش حق انتخاب مردم به‌عنوان مصرف‌کنندگان در جهت برخورداری از بهترین شرایط، از جمله بالاترین کیفیت و پایین‌ترین قیمت‌ها. این امر لاجرم مستلزم آزادسازی نظام اقتصادی و به‌طور مشخص نظام تجاری کشور، به‌منظور کاهش یا حذف موانع فراراه ورود محصولات و کالاهای خارجی خواهد بود.

برخی اقدام‌هایی که دولت‌ها در این خصوص به‌عمل می‌آورند از این قرارند: کاهش موانع تعرفه‌ای و حذف موانع غیرتعرفه‌ای در جهت کاهش موانع فراراه تجارت و افزایش شفافیت در نظام تجاری؛¹ آزادسازی بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی برای فعالیت فعالان اقتصادی خارجی در کشور؛ جلوگیری از روش‌های ضد رقابتی (به‌خصوص در بخش دولتی) از طریق قوانین تضمین‌کننده شرایط رقابتی²؛ حذف حمایت‌های مالی و اعتباری از بخش‌های اقتصادی داخلی با هدف افزایش انگیزه رقابت در میان تولیدکنندگان داخلی، و به ویژه کاهش هزینه‌های دولت در این خصوص؛ هزینه‌هایی که تحمل آن‌ها در نهایت بر دوش مردم بوده و خود متضمن کاهش رفاه آن‌ها خواهد بود (چرا که منابع مالی مربوط با حذف این هزینه‌ها می‌تواند در جهت افزایش رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم مصرف شود).

4- تعارض میان وظایف دولت

همان‌طور که گفتیم، توسعه و رفاه، دو وظیفه مهم دولت‌ها در حوزه امنیت اقتصادی است. ملاحظه تعارض ظاهری میان این دو وظیفه، نیاز به تیزبینی چندانی ندارد. وظیفه اول، مستلزم افزایش نقش دولت در تجارت در جهت اعمال کنترل بیشتر و حمایت از بخش‌های اقتصادی و به‌طور خلاصه راهبرد حمایت‌گرایی، و در عین حال، وظیفه دوم مستلزم کاهش نقش دولت در تجارت و در اساس راهبرد آزادسازی تجارت است. به‌نظر می‌رسد که دولت‌ها نمی‌توانند در آن واحد اجرای کامل و بی‌کم‌وکاست هر دوی این وظایف را در دستور کار خود قرار دهند، و در این خصوص گاهی با توجه به اولویت‌های خود، ناچار به انتخاب‌های تندروانه و یک‌سویانه روی می‌گردند. برای نمونه، دولت روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی با توجه به فشارهای اقتصادی و روانی نزدیک به

1. با آغاز اجرای برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1379-1383) حذف موانع غیرتعرفه‌ای که به اشکال مختلف از جمله محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های وارداتی و سهمیه‌های وارداتی اعمال می‌شد و همچنین حذف موانع شبه‌تعرفه‌ای در دستور کار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و بدین ترتیب، تلاش شد با تجمیع حمایت‌ها در قالب تعرفه‌ها، نظام تجاری کشور شفاف شود. برای ملاحظه این‌گونه اقدام‌ها رجوع شود به: زاهدطلبان، 1385: 85-43. این رویکرد در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور هم ادامه یافت. برای نمونه، ماده 103 برنامه پنجم توسعه نیز برقراری موانع غیرتعرفه‌ای و موانع غیرفنی را بر ورود محصولات صنعتی منع کرده است.

2. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت را مکلف کرده بود اقدام‌های قانونی را برای لغو انحصار و جلوگیری از فعالیت‌های انحصارگرانه معمول دارد. به‌علاوه مواد 38، 40 و 41 قانون برنامه چهارم توسعه به‌صراحت دولت را موظف کردند برای بهبود فضای کسب‌وکار در کشور و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان "لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات" را تهیه کند. این لایحه در سال 1384 تهیه و به مجلس تقدیم شد و در نهایت به‌عنوان بخشی از "قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی" به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. برای ملاحظه مبانی تئوریک موضوع و تحلیل مقررات مزبور رجوع کنید به: معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، 1384؛ صادقی و شمشری، 1390: 134 و 135.

هفتاد سال نظام کمونیستی، اولویت تام را به آزادسازی نظام اقتصادی - تجاری خود در جهت تحقق رفاه در کشور داد. شکست این سیاست با شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری فاسد و غیرمولد و افزایش شدید فاصله طبقاتی آشکار شد؛ خلاصه این که سیاست آزادسازی حتی به اولین هدف خود یعنی افزایش رفاه هم نائل نگردید. محاسبات بانک جهانی نشان می‌دهد که اصلاحات اقتصادی اوایل دهه 1990، موجب افزایش شدید فقر و نابرابری در روسیه شد (Krytynskaia, Galbraith و Wang, 2004: 90-97; Aslund, 1999: 13). دولت ایران هم با توجه به شرایط انقلابی پس از سقوط رژیم شاه و البته تحت تأثیر شرایط جنگی دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، سیاست حمایت‌گرایی را به منظور جلوگیری از ورود کالاهای خارجی و تحقق آرمان توسعه کشور در سایه خودکفایی پیش گرفت.

هرچند باید پذیرفت که به احتمال، شرایط جنگی، راه جایگزینی برای سیاست‌گذاران کشور نمی‌گذاشت، اما به هر حال، ناگزیر به قبول این حقیقت هستیم که سیاست حمایت‌گرایی نه تنها به تحقق آرمان‌هایی چون خودکفایی و توسعه منجر نشد، بلکه صنایع کشور در سایه حمایت‌های اعمال شده، حتی توان رقابتی گذشته خود را هم از دست دادند؛ البته، این بدان معنی نیست که حمایت، به توسعه نمی‌انجامد، یا آزادسازی، موجب افزایش رفاه نمی‌شود، بلکه این نمونه‌ها نشان‌گر نبود اطمینان از موفقیت اعمال تدریجی این سیاست‌ها حتی در ارتباط با تحقق اهداف اولیه‌شان است. به هر حال، چنین سیاست‌هایی حتی در بهترین شرایط هم فقط به انجام یکی از وظایف دولت منتهی می‌شود، و وظیفه دیگر، با اطمینان، مورد غفلت واقع خواهد شد. بدین ترتیب، دولت‌ها باید به دنبال راهبردهای ترکیبی باشند تا بتوانند با رویکرد دانش‌محور، هر دو وظیفه توسعه و رفاه را با توجه به اولویت‌های خاص کشور خود تا سرحد امکان اجرا کنند، و بدین ترتیب، به دنبال آزادسازی در عین حمایت باشند؛ بنابراین، دولت‌ها لازم است از یک‌سو به تدریج ابزارهای سنتی حمایت، و به‌طور خاص، آنچه را که در واژگان تجارت بین‌الملل ممنوعیت و محدودیت مقداری شناخته می‌شود، کنار گذارند.

اهمیت این راهبرد به قدری است که ملاحظه می‌کنیم حتی نقش معمول‌ترین ابزار سنتی دولت‌ها برای کنترل تجارت، یعنی تعرفه‌ها هم به تدریج کاهش قابل توجهی یافته است (Baldwin, 2009: 474-477)¹ از سوی دیگر، باید سازوکارهای مدرن حمایت همچون نظام‌های حفاظتی، ضدقیمت‌شکنی و همچون آن‌ها، هر چه بیشتر به کار گرفته شود. دولت‌ها همچنین باید این‌گونه اقدام‌های داخلی را در حوزه روابط خارجی خود با برقراری ترتیبات تجاری نهادینه نمایند. برای نمونه، از طریق امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه تجارت ترجیحی یا تجارت آزاد یا مشارکت در ترتیبات تجاری منطقه‌ای یا جهانی، همچون سازمان جهانی تجارت، تکمیل کنند. در یک جمله، اهداف مستقیم مجموعه این اقدام‌های داخلی و خارجی، دفاع از بنگاه‌ها و بخش‌های اقتصادی کشور از طریق رقابتی کردن آن‌ها و افزایش درآمدشان از طریق صادرات است؛ اهدافی که به‌طور مستقیم به

1. برای نمونه می‌توان به سطح متوسط تعرفه‌های صنعتی در کشورهای توسعه‌یافته اشاره کرد که بعد از مذاکرات دور اروگوئه به کمتر از چهار درصد کاهش یافت (UNCTAD, 1994).

پیش‌برد اهداف امنیتی توسعه و رفاه می‌انجامد. از این دیدگاه، ملاحظه می‌کنیم که "امنیت ملی هدف تجارت بین‌الملل"، و به دیگر سخن، "تجارت بین‌الملل ابزار تحقق امنیت ملی" است؛ اما رابطه میان تجارت بین‌الملل و امنیت ملی رابطه‌ای دوطرفه است و هر یک بر دیگری تأثیرگذار است. مطالعه این تأثیرها به‌طور مشخص در سیاست‌گذاری تجاری کشور مفید خواهد بود.

5- ملاحظات کلی مربوط به رابطه تجارت بین‌الملل و امنیت ملی

بررسی اهداف موافقت‌نامه‌های تجاری، مؤید اهمیت جنبه‌های اقتصادی امنیت ملی همچون ارتقای استانداردهای زندگی و درآمد، تضمین اشتغال کامل، گسترش تولید و تجارت، ایجاد امکان استفاده بهینه از منابع، افزایش درآمدهای واقعی و تضمین رشد پایدار در کشورهای عضو است. این اهداف برای نمونه در موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت و مقدمه موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ذکر شده‌اند (موسوی زنوز، 1392: 46). از سوی دیگر، نظریه‌های تجارت بین‌الملل، همگی در این نکته متفق‌القولند که همراه شدن آزادسازی تجارت با سیاست‌های مناسب توسعه‌ای، می‌تواند کشورها را به سوی استفاده بهینه از منابع تولید و در نتیجه افزایش قابلیت رقابت و از آن جا به افزایش درآمدها، ارتقای سطح زندگی و بهبود وضعیت اشتغال و در یک کلام پیش‌برد اهداف توسعه و رفاه رهنمون شود¹ تجربه کشورهای هم‌نشان‌گر اهمیت تلفیق سیاست‌های آزادسازی تجارت با استراتژی‌های مناسب توسعه‌ای برای تحقق اهداف مزبور است (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1374: 204-208؛ Shafaeddin، 2005: 20-21؛ Pacheco-Lopez و Thirwall، 2009: 22-26).

6- تأثیرگذاری تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی

تجارت بین‌الملل می‌تواند متضمن هر دو نوع آثار مثبت و منفی بر امنیت ملی باشد.

6-1- تأثیرهای مثبت

6-1-1- پیش‌برد اهداف توسعه

قبل از این در خصوص ارتباط میان توسعه و امنیت ملی صحبت کرده‌ایم، سؤال پیش‌رو در این مرحله این است که تجارت بین‌الملل چگونه به توسعه می‌انجامد؟ مطالعات تجربی و کمی متعددی رابطه مستقیم رشد اقتصادی و تجارت بین‌الملل را به اثبات رسانده‌اند (US International Trade Commission، 1997: 1/3 و 2/3)، اما هیچ مطالعه قابل‌اعتنایی تحقق توسعه در این فرایند را حتمی نشمرده (Lazarov و Josheski، 2012: 87 و 93)²، کما این که، تجربه کشورهای ملحق‌شده به سازمان جهانی تجارت هم به ضرورت، نشان‌دهنده تأثیر عضویت در این سازمان بر توسعه این کشورها نیست، اما شکی نیست که با برنامه‌ریزی صحیح، تجارت بین‌الملل بر توسعه کشورها تأثیرگذار است. تجربه کشورهای آسیای جنوب شرقی، طی دهه 1990، به خوبی نشان‌گر تأثیر ادغام این کشورها در نظام تجارت جهانی بر توسعه این کشورهاست (US International Trade Commission، 1997: 15/2؛ UI Islam، 1999). این منطقه

1 برای مطالعه این نظریه‌ها ملاحظه کنید: سالواتوره و دیگران، 1379.
2 همچنین برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: Bardham، 2003: 83-1.

همچنین تنها منطقه‌ای بود که توانست در سال 2010 به شرایط پیش از بحران جهانی سال‌های 2008-2009 بازگردد (UNESCAP، 2011: 123). بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که تجارت بین‌الملل، زمینه‌های لازم برای توسعه را فراهم می‌سازد، لیکن به مرحله فعلیت رساندن این پتانسیل، مسئله‌ای است که به سیاست‌های توسعه‌ای مناسب دولت‌ها باز می‌گردد.

6-1-2- کاهش تنش‌های سیاسی و نظامی

پایان جنگ جهانی دوم و به‌طور خاص، پایان دوران جنگ سرد، موجب اهمیت یافتن جنبه‌های غیرنظامی امنیت ملی شد. از سوی دیگر، بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اگر نظام‌های اقتصادی کشورها در دوران قبل از دو جنگ جهانی به هم نزدیک بود، وابستگی میان این کشورها می‌توانست از بروز این جنگ‌ها یا حداقل از گسترش غیرقابل تصور آن‌ها جلوگیری کند. در دوران حاضر، تجربه کشورها مؤید این حقیقت است که روابط نزدیک اقتصادی، به‌خوبی مانع برخورد‌های سیاسی و البته، به طریق اولی، برخورد‌های نظامی بوده است. توجه به تاریخچه نزدیک به 30 سال روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا، نشان‌گر این واقعیت است که در مواقع اختلاف نظر سیاسی شدید میان دو طرف، روابط اقتصادی، همواره مانع تیرگی جدی روابط سیاسی آن‌ها شده است. همین اواخر نیز سه کشور ایران، پاکستان و هندوستان، توافق کردند که گاز ایران را از طریق پاکستان به هندوستان منتقل کنند. جالب این است که خط لوله‌ای که قرار شده بود این طرح را عملی کند "خط لوله صلح" نامیده شد. صرف‌نظر از توقف مذاکرات مربوط در حال حاضر، انتخاب همین نام مؤید تأثیر مثبت تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی است؛ همچنین می‌توان به نقش تعاملات اقتصادی با کشورهای تأثیرگذار در سطح جهانی و با کشورهای هم‌جوار نیز اشاره کرد که گفته می‌شود می‌تواند مانع حمله ایالات متحده به جمهوری اسلامی ایران باشد (خضری، 1384: 8-11).

6-1-3- ثبات اقتصادی و اجتماعی

تجارت بین‌الملل موجب افزایش درآمد می‌شود که این خود با برنامه‌ریزی‌های مناسب در جهت توزیع عادلانه درآمدها، می‌تواند به ثبات اقتصادی و اجتماعی، و در نهایت، بهبود وضعیت امنیت ملی بینجامد.

6-1-4- افزایش رفاه

از دیگر آثار تجارت بین‌الملل، کاهش فقر است که افزایش رفاه را به همراه دارد. قبل از این در مورد نقش رفاه در امنیت ملی صحبت کرده‌ایم.

6-1-5- اثرگذاری بر امنیت انسانی

کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل متحد در گزارشی که تحت عنوان "در آزادی وسیع‌تر به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه" در سال 2005 به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه کرد، شکاف میان ملت‌ها را از زمینه‌های نبود امنیت بین‌المللی خواند. در همین گزارش، بیماری‌های عفونی و همه‌گیری همچون ایدز نیز از جمله عوامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی محسوب شده است (United Nations Secretary General، 2005: 7-16).

تجارت بین‌الملل می‌تواند با کاهش فاصله میان دولت‌ها، مانعی برای تروریسم به حساب آید. توافق‌های اخیر میان دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت در جهت امکان تولید و استفاده کشورهای فقیر از داروهای لازم برای مبارزه با بیماری‌های عفونی و همه‌گیر، با تسهیل قواعد مالکیت فکری، زمینه‌هایی را برای رفع این تهدید امنیتی در کشورهای فقیر ایجاد کرده است.

6-1-6- اثرگذاری بر محیط زیست

پیامدهای افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کلروفلوروکربن‌ها را می‌توان جدی‌ترین نگرانی‌های زیست‌محیطی بین‌المللی دانست. نهادهای بین‌المللی تلاش کرده‌اند با جهت‌دهی به تولید و تجارت در سطح جهان، تولید این‌گونه مواد را کاهش دهند. کنفرانس 1972 استکهلم و تشکیل برنامه محیط‌زیست ملل متحد (UNEP) را می‌توان آغاز جدی این تلاش‌ها دانست. هر چند اعضای سازمان جهانی تجارت، ملاحظاتی زیست‌محیطی را خارج از محدوده مذاکرات تجاری خود حفظ کرده‌اند، اما رکن حل و فصل اختلافات این سازمان در چندین پرونده، امکان استفاده از ابزارهای تجاری را برای حفظ محیط زیست تأیید کرده است. برخی موافقت‌نامه‌های این سازمان هم ملاحظاتی زیست‌محیطی را در نظر گرفته‌اند (Bodansky و Lawrence، 2009: 513-518). از سوی دیگر، نگرانی عمده در مورد محیط‌زیست، موجب نوعی حرکت عمومی در میان تمامی کشورها حتی ایالات متحده شده، که تاکنون مخالفت آن، مهم‌ترین مانع اجرای کامل مقررات پروتکل کیوتو جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بوده است. برای نمونه، رئیس‌جمهور ایالات متحده در نشست سران گروه هشت کشور بزرگ صنعتی جهان در هایلینگدام آلمان در سال 2007، طرحی را در مورد کاهش تولید این گازها ارائه کرده (شیرغلامی، 1386: 34) که به دنبال آن، دولت ایالات متحده بالاخره در سال 2011 در سطحی محدود، اقدام به کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای نمود.

6-1-7- جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای سازوکار حل و فصل اختلافات در ترتیبات تجاری از جمله در سازمان جهانی تجارت، جلوگیری از توسل به یک‌جانبه‌گرایی در اقدام‌های تجاری، به‌خصوص از سوی کشورهای قدرتمند است. بر این اساس، دولت‌ها برای رفع اختلافات فی‌مابین به روش‌های چندجانبه روی می‌آورند، که این خود علاوه بر تأمین امنیت بین‌الملل، با افزایش تفاهم میان کشورها به این مهم نیز کمک می‌کند (موسوی زنوز، 1383: 32 و 33).

6-2- تأثیرهای منفی

6-2-1- تهدید برخی بخش‌های اقتصادی و آثار سیاسی و اجتماعی آن

تجارت بین‌الملل، متضمن افزایش رقابت در بخش‌های مختلف اقتصادی است و مطمئناً همه بنگاه‌های تولیدی و خدماتی نخواهند توانست در این محیط رقابتی به حیات خود ادامه دهند. نتیجه این وضعیت، تعطیلی برخی بنگاه‌ها و بی‌کاری نیروی کار آن‌ها (حداقل در کوتاه‌مدت) خواهد بود. چنانچه این تعطیلی و بی‌کاری متعاقب آن در بخش‌هایی رخ دهد که تعداد کارکنان آن‌ها زیاد

و در نتیجه تأثیرگذاری آن‌ها بر سطح اشتغال جامعه قابل توجه باشد، آثار سوء اجتماعی و سیاسی آن می‌تواند برای امنیت ملی تهدیدآمیز جلوه کند. در این میان، دو نکته مهم قابل توجه است؛ اول این که بنابر تئوری‌های تجارت، بی‌کاری به وجود آمده می‌تواند در بلندمدت به جابه‌جایی اشتغال و در نهایت، بهینه‌شدن استفاده از منابع تولید به خصوص نیروی کار بینجامد (US International Trade Commission, 1997: 8/1)، امری که همواره جزء اهداف ترتیبات تجاری است؛ زیرا تولید غیرکارآمد در محیط غیررقابتی، موجب اتلاف منابع، افزایش هزینه‌ها و کاهش کیفیت تولید می‌شود، حال آن‌که با رقابتی‌شدن محیط، منابع تولید در نهایت به بخش‌هایی منتقل خواهد شد که تولید در آن‌ها از مزیت برخوردار است، و این امر به نوبه خود موجب افزایش قدرت رقابت بنگاه‌های تولیدی و توسعه آن‌ها می‌شود (Bacchetta و Jasen, 2003: 29). دوم این‌که ترتیبات تجاری به‌طور معمول، شرایطی را برای جلوگیری از آثار نامطلوب آزادسازی بازار در بخش‌هایی که نقش قابل توجهی در اشتغال جامعه دارند، پیش‌بینی می‌کنند؛ به‌طور مثال، در سازمان جهانی تجارت، این امکان وجود دارد که در جریان مذاکرات در آن دسته از بخش‌های اقتصادی که سطح بالایی از اشتغال جامعه را دربرمی‌گیرند، آزادسازی محدودتری انجام داد یا آزادسازی‌ها را پس از یک دوره انتقالی آغاز کرد، هرچند استفاده از این امکان منوط به قدرت مذاکراتی کشورهاست (Pelc, 2011: 641-642).

6-2-2- محدودیت امکان استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تأمین امنیت ملی

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم با افزایش وابستگی اقتصادی دولت‌ها به یکدیگر و به‌خصوص با دشوارشدن کاربرد زور در روابط بین‌الملل، چه به علت مشکلات عملی و چه به علت ممنوعیت‌های حقوقی، جهان شاهد افزایش اقدام‌های اقتصادی برخی دولت‌ها علیه دولت‌های دیگر در جهت اهداف امنیت ملی بوده است. نظام حقوق بین‌الملل در نبود تعهدی خاص و در شرایط عادی، هیچ‌گونه الزامی را برای دولت‌ها در خصوص برقراری روابط اقتصادی یا ادامه آن با سایر دولت‌ها شناسایی نکرده است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌گردد که تحریم‌های اقتصادی، به‌سادگی در موارد مختلف، حتی در مواردی که نه منافع امنیت ملی، بلکه تنها منافع سیاسی دلیل اعمالشان بوده، به‌کارگرفته شده‌اند.

عضویت در ترتیبات تجاری، آزادی عمل دولت‌ها را در کاربرد ابزارهای اقتصادی برای دلایل غیراقتصادی محدود می‌کند؛ برای مثال، در دعوای نیکاراگوئه علیه ایالات متحده نزد دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice, 1986: ICJ14؛ United Nations, 1992: 125-129 و 141-147)، مبنای بخشی از شکایت دولت نیکاراگوئه را نقض تعهدات معاهده‌ای دولت ایالات متحده در قبال دولت نیکاراگوئه بر اساس معاهده مودت، بازرگانی و کشتیرانی میان دو کشور از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی - تجاری علیه این کشور تشکیل می‌داد. دولت آمریکا هرچند در بخش رسیدگی ماهیتی از مداخله در پرونده خودداری کرد، اما در همان مرحله صلاحیتی، در اعتراض به صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعوای دولت نیکاراگوئه، ماده 21 معاهده مودت را مورد استناد قرار داد که به هر یک از طرفین اجازه می‌داد «اقدامات لازم برای

ایفای تعهد خود نسبت به حفظ و اعاده صلح و امنیت بین المللی» یا «اقدامات لازم برای حفظ منافع امنیتی اساسی خود» به عمل آورد. بدین ترتیب، دولت ایالات متحده مدعی بود که اقدام‌های تحریمی‌اش علیه نیکاراگوئه در جهت حفظ منافع امنیتی اساسی آن کشور اعمال شده و بر اساس ماده فوق، قابل توجیه است. دیوان، ضمن رد این نظر، اعلام کرد که هرچند ماده 21 معاهده مودت این حق را به طرف‌های متعهد می‌دهد که در صورت ضرورت حفظ منافع امنیتی اساسی‌شان تعهدات معاهده‌ای خود را زیرپا نهند، با این حال، ایالات متحده باید مورد تهدید قرار گرفتن منافع امنیتی اساسی‌اش را به‌طور عینی به اثبات رساند که چنین کاری هرگز صورت نگرفته است. بدین ترتیب، دیوان، اقدام‌های دولت ایالات متحده را ناقض معاهده مودت میان دو دولت دانست (موسوی زنون، 1378: 162-165).

لازم به ذکر است که صرف لزوم اثبات مورد تهدید قرار داشتن منافع امنیتی را شاید نتوان محدودیت اقدام برای تأمین اهداف امنیتی دانست، چرا که به‌هر حال اگر امنیت ملی به واقع در خطر افتد و اقدامی برای رفع این خطر ضروری باشد، اقدام مزبور به هیچ وجه غیرقانونی و ناقض تعهدات محسوب نخواهد شد. این نکته هم قابل توجه است که با عضویت در این‌گونه ترتیبات تجاری، به هر حال طرف‌های متعهد، آزادی عمل گذشته را نخواهند داشت. یکی از مهم‌ترین نتایج اخیر این محدودیت، عبارت است از عدم توسل جدی عموم اعضای سازمان جهانی تجارت، علی‌الخصوص کشورهای توسعه‌یافته و اقتصادهای در حال ظهور به ابزارهای محدودکننده تجارت در جریان بحران اقتصادی جهان طی سال‌های 2008 و 2009، و حتی پس از آن، به‌رغم ادامه بحران پولی و مالی در کشورهای منطقه یورو (UNCTAD Secretariat و JETRO، 2010: 1-14؛ WTO TPRB، 2010: 15). هرچند به یقین، اقدام‌های نجات مالی کشورهای مذکور و دستکاری نرخ ارز توسط برخی کشورها، به‌زعم بسیاری، به هر حال نوعی حمایت‌گرایی بوده؛ به‌طوری که پس از پایان بحران مالی، تجارت جهان بسیار سریع‌تر از آن چه انتظار می‌رفت به وضع پیش از بحران بازگشت (Brandi و Berensmann، 2011: 1).

6-2-3- محدودیت حاکمیت

حفظ حاکمیت از مهم‌ترین اهداف امنیتی دولت‌هاست. از سوی دیگر، برقراری هر نوع ارتباطی با سایر دولت‌ها به‌نحوی متضمن محدودیت حاکمیت خواهد بود (Jackson، 2006، 35، 58 و 215)، بدین ترتیب که دولت‌ها با ورود به هر معاهده یا رابطه قراردادی، به‌دنبال کسب تعهداتی از دولت‌های دیگرند و در مقابل، لاجرم باید تعهداتی را هم بپذیرند. قبول تعهد به معنای محدود کردن قلمرو اختیارات تصمیم‌گیری و محدودیت حاکمیت است، اما دنیای امروز، دنیای وابستگی متقابل دولت‌هاست. مفهوم حاکمیت، دیگر همچون دوران پس از پیمان وست‌فالی، مفهومی سرتاسری و خدشه‌ناپذیر نیست. هرچند حاکمیت هنوز هم بارزترین ویژگی دولت است، لیکن جهانی‌شدن در دنیای امروز، ادغام هر چه بیشتر منافع دولت‌ها را موجب شده است (ماندل، 1379: 26-32). بدین ترتیب، دولت‌ها در جهت کسب برخی منافع، از منافع دیگری چشم‌پوشی می‌کنند. در این خصوص، به‌طور مثال، در حوزه سیاست‌گذاری‌های تجاری همچون تعیین

تعرفه‌های تجاری یا برقراری سایر محدودیت‌ها بر تجارت بین‌الملل به‌منظور دستیابی به بازارهای صادراتی در سرزمین کشورهای دیگر در چارچوب ترتیبات تجاری، محدود شدن حاکمیت، توجیه می‌شود.

نتیجه این‌که شاید به‌نظر رسد تجارت بین‌الملل نهادینه‌شده، موجب محدود شدن حاکمیت دولت در حوزه سیاست‌های اقتصادی و تجاری می‌شود، اما نباید فراموش کرد، که دیگر دولت‌های عضو ترتیبات تجاری مورد نظر هم همین محدودیت‌ها را بر حاکمیت خود پذیرفته‌اند و دیگر این‌که محدودیت حاکمیت، فقط کفه ترازویی است که در کفه دیگر آن دولت منافی همچون دستیابی به بازارهای جدید صادراتی را به‌دست می‌آورد، و این همان چیزی است که از آن تحت عنوان شناسایی اولویت در میان اهداف امنیتی یاد شده است.

7- تأثیرهای ملاحظات امنیت ملی بر تجارت بین‌الملل

علاوه بر آن‌که می‌توانیم تأثیرهای مثبت تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی، ملاحظات امنیت ملی و چون توسعه و رفاه را به‌عنوان عامل محرکه یا علت غایی در رویکرد دولت‌ها به‌سوی تجارت بین‌الملل در کلیه موارد مؤثر بدانیم، موارد ذیل را هم می‌توانیم به‌طور مجزا به‌عنوان تأثیرهای ملاحظات امنیت ملی بر تجارت بین‌الملل برشماریم. تنها نکته قابل توجه آن است که با این رویکرد، تأثیرهای منفی امنیت ملی بر تجارت بین‌الملل از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود، درحالی‌که از دیدگاه قبلی، یعنی بررسی آثار تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی، تأثیرهای مثبت بروز بیشتری داشت.

7-1- تأثیرهای مثبت

7-1-1- نقش ملاحظات امنیت ملی در برقراری روابط تجاری

برقراری روابط تجاری، همواره نتیجه ملاحظات اقتصادی نیست، بلکه در مواردی اهداف سیاسی و خلاصه ملاحظات امنیتی نیز موجب شکل‌گیری ترتیبات تجاری می‌شود. به‌طور نمونه، می‌توان به موافقت‌نامه تجارت آزاد ایالات متحده و عمان اشاره کرد که خود دولت ایالات متحده هم در گزارشی که در این خصوص تهیه کرده، به این ملاحظات تا حدودی پرداخته است (Tatelman, 2006). همین ملاحظات، به یقین در مجموعه موافقت‌نامه‌های تجارت آزادی که اتحادیه اروپا به‌عنوان بخشی از فرایند بارسلون¹ با کشورهای حاشیه دریای مدیترانه امضا می‌کند، از اهمیت کلیدی برخوردار است. در مورد اول، ایالات متحده، خلیج فارس را حوزه امنیتی خود می‌شناسد، و در مورد دوم، اتحادیه اروپا، حاشیه جنوبی و شرقی مدیترانه را حوزه امنیتی خود می‌داند. بررسی استراتژی امنیت ملی ایالات متحده نیز که هر ساله توسط وزارت امور خارجه این کشور منتشر می‌شود، مؤید اهمیت ملاحظات امنیتی در برقراری روابط تجاری است (U.S.

¹ بیانیه بارسلون که در کنفرانس اروپا-مدیترانه در سال 1995 به امضای شورای اروپا، کمیسیون اروپا و تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کشورهای حاشیه دریای مدیترانه رسید، مؤید اهمیت استراتژیک حوزه دریای مدیترانه برای اتحادیه اروپاست و اولین بخش آن به ایجاد صلح و امنیت در این منطقه اختصاص دارد. متن بیانیه بارسلون در آدرس اینترنتی [http:// ec.europa.eu/ external_relations/euromed/bd.htm](http://ec.europa.eu/external_relations/euromed/bd.htm) قابل دسترسی است.

Department of State, 2009). در سال 2011 نیز رئیس‌جمهور ایالات متحده، هنگام تقدیم سه موافقت‌نامه تجارت آزاد با کره جنوبی، کلمبیا و پاناما به کنگره برای تصویب، بر اهمیت آن‌ها برای تأمین اهداف امنیت ملی کشور تأکید کرد. این در حالی بود که در آن زمان، ایالات متحده هنوز به‌طور کامل از تأثیرهای بحران مالی سال‌های 2007 تا 2009 رهایی نیافته بود (Donilon, 2011).

7-1-2- نقش ملاحظات امنیت ملی بر سیاست‌گذاری تجاری

صرف‌نظر از جنبه بیرونی و نهادینه‌شده تجارت که در ساختار ترتیبات تجاری متجلی می‌شود، دولت‌ها در سطح داخلی، نقش بسیار آشکارتر و مؤثرتری بر فرایندهای تجاری دارند. سیاست‌هایی چون اعمال تعرفه بر تجارت، تعیین تشریفات و رویه‌های حاکم بر تجارت، برقراری انگیزه‌ها یا ضدانگیزه‌های تجاری همچون اعطای انواع یارانه‌ها از جمله جوایز صادراتی یا اعمال محدودیت‌ها و حتی ممنوعیت‌های تجاری، همگی ابزارهایی هستند که دولت‌ها برای جهت‌دهی، هدایت و کنترل تجارت از آن‌ها بهره می‌گیرند، فارغ از این‌که در قالب ترتیبات تجاری با دیگر کشورها هم‌گرایی ایجاد کرده باشند یا خیر. دولت‌ها تنها بر اساس ملاحظات اقتصادی فعالان تجاری در کشور خود اقدام به این سیاست‌گذاری‌های تجاری نمی‌کنند. ملاحظات امنیت اقتصادی در جهت تأمین توسعه و رفاه، موجب می‌شود دولت‌ها در قالب استراتژی‌های توسعه‌ای مختلف چون جایگزینی واردات یا توسعه صادرات، ابزارهای تجاری را در جهت تشویق تجارت کالاهای متفاوت به کار گیرند. برای نمونه، دولت در چارچوب استراتژی توسعه صادرات، تمامی سیاست‌ها و ابزارهای تجاری را در جهت تشویق ورود نهاده‌های تولید محصولات صادرات محور و افزایش صادرات این محصولات به کار می‌گیرد؛ به‌علاوه، دولت ممکن است در شرایطی خاص برای تأمین نیازهای داخلی، به‌طور موقت برای ورود برخی کالاها مجوز یا حتی مشوق‌هایی را در نظر گیرد. ملاحظات امنیتی غیر اقتصادی نیز می‌تواند موجب شود دولت‌ها به‌طور یک‌جانبه برای افزایش تجارت با کشور یا کشورهایی خاص اقدام کنند. در نظر گرفتن خطوط اعتباری برای کشورهای هدف در واقع نوعی وام دادن به این کشورهاست، تا تجار آن‌ها بتوانند از این خطوط اعتباری برای خرید کالا از کشور وام‌دهنده استفاده کنند. این خطوط اعتباری به‌طور معمول با اهداف سیاسی اعطا می‌شود، اما نتیجه مستقیم آن‌ها افزایش صادرات به کشور موردنظر است.

7-2- تأثیرهای منفی

همان‌طور که قبل از این هم گفتیم، تأثیرهای منفی امنیت ملی بر تجارت بین‌الملل بسیار بارزتر از اثرهای مثبت آن است. به‌طور خاص، اقدام‌های محدودکننده تجارت، همواره به عنوان ابزاری برای حفظ امنیت ملی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ چرا که یکی از انگیزه‌های قوی که زمینه‌توسل دولت‌ها به اقدام‌های حمایت‌گرانه را فراهم می‌کند، مسئله امنیت ملی است (صباغیان، 1385: 91-93). این‌گونه اقدام‌ها یا به‌صورت تبعیض‌آمیز و علیه یک یا چند کشور خاص اتخاذ گردیده‌اند، یا آن‌که بدون در نظر گرفتن کشوری خاص به‌عنوان هدف، به‌طور غیرتبعیض‌آمیز به کار گرفته شده‌اند.

7-2-1- محدودیت‌های تجاری تبعیض‌آمیز

اقدام‌های محدودکننده تجارت که به صورت تبعیض‌آمیز علیه کشورهای خاص اتخاذ می‌شوند، به طور معمول، دلایل غیراقتصادی دارند، اما در مواردی هم این تنها دلایل اقتصادی دارند. آنچه که در واژگان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل به عنوان تحریم اقتصادی یا تحریم تجاری شناخته می‌شود، همان اقدام‌های تبعیض‌آمیز محدودکننده تجارت به دلایل غیراقتصادی است. تحریم‌های تجاری به اشکال مختلفی اعمال می‌شود که از جمله شامل ممنوعیت کامل یا جزئی صادرات و واردات، محدودیت حمل‌ونقل هوایی یا دریایی، ممنوعیت معاملات مالی و مسدود کردن دارایی‌های کشورهای تحریم شده در محدوده سرزمینی دولت یا دولت‌های تحریم‌کننده می‌شود. در تمامی این نوع تحریم‌ها، دولت‌های تحریم‌کننده به خطر افتادن امنیت ملی خود را دلایل اصلی اقدام‌های خود قلمداد کرده‌اند. مهم‌ترین و معروف‌ترین نمونه‌های تحریم تجاری به دلایل مرتبط با امنیت ملی را می‌توان به قرار ذیل برشمرد:

- تحریم کشورهای عضو اتحادیه عرب علیه اسرائیل و کشورهای حامی آن؛
- تحریم‌های ایالات متحده علیه کوبا؛
- تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه ایران؛
- تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه آرژانتین؛
- تحریم‌های ایالات متحده علیه نیکاراگوئه؛
- تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه یوگسلاوی سابق.

این در حالی است که به طور تقریبی در تمامی این موارد، حداقل یک موافقت‌نامه تجاری میان کشورهای تحریم‌کننده و کشورهای هدف تحریم وجود داشته است. این‌گونه ترتیبات در اساس با هدف افزایش حجم تجارت میان طرف‌های متعهد، یا بر اساس اصل دولت کامله‌الوداد با ممنوع ساختن اعمال رفتارهای تبعیض‌آمیز، به دنبال برقراری حداقل شرایط مطلوب برای طرف‌های متعهدند، یا آن‌که با کاهش یا حتی حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای فرا راه تجارت، به دنبال برقراری شرایطی مطلوب‌تر برای طرف‌های ذینفع‌اند. معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی مورخ 1955 میان ایالات متحده آمریکا و ایران و همچنین معاهده مودت، بازرگانی و کشتیرانی مورخ 1956 میان ایالات متحده آمریکا و نیکاراگوئه، نمونه‌هایی از نوع اول ترتیبات فوق هستند که بر اساس آن‌ها رفتاری که هر یک از طرف‌های متعهد با طرف دیگر اعمال می‌کند، حداقل نباید از رفتار آن کشور با کشورهای ثالث نامطلوب‌تر باشد.

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) نیز که تا سال 1995 خود به عنوان ترتیبات تجاری مستقل مبنای اعمال ترجیحات تجاری گسترده‌ای میان بیش از 120 کشور جهان بود، و از آن پس نیز با تشکیل سازمان جهانی تجارت به عنوان مهم‌ترین موافقت‌نامه این سازمان مبنای آزادسازی تجاری گسترده‌تری میان نزدیک به 160 کشور قرار گرفت و کشورهای این سازمان ایالات متحده آمریکا، اعضای اتحادیه اروپا، آرژانتین و کوبا همگی عضو آن به شمار می‌روند، نمونه‌ای برای نوع دوم ترتیبات تجاری مورد نظر است.

با این حال، در هیچ‌یک از تحریم‌های موردنظر، ترتیبات تجاری موجود میان این کشورها مانع اعمال تحریم‌ها نشد، چرا که در تمامی موافقت‌نامه‌های تجاری، همواره منافع امنیت ملی به‌عنوان دلیلی برای توجیه هرگونه تخطی از مقررات این موافقت‌نامه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (موسوی زنوز و مرادی، 1392: 141-145). ماده 20 معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی مورخ 1955 میان ایالات متحده آمریکا و ایران، ماده 21 معاهده مودت، بازرگانی و کشتیرانی میان ایالات متحده و نیکاراگوئه، و همین‌طور ماده 21 موافقت‌نامه گات و مقررات مشابه آن در سایر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت از جمله ماده 14 مکرر موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) به‌صراحت، دست دولت‌ها را در تخطی از یک یا تمامی تعهداتشان در قالب این موافقت‌نامه‌ها در صورت به‌خطرافتادن منافع امنیتی اساسی‌شان باز گذاشته‌اند (Emmerson, 2008: 135). از سوی دیگر، اهمیت جنبه‌های غیرنظامی امنیت ملی تا حدی است که ماده 20 موافقت‌نامه گات و ماده 14 موافقت‌نامه گاتس نیز به کشورها اجازه داده‌اند در صورت تهدید اخلاق عمومی، حیات و سلامت انسانی، حیوانی و گیاهی، گنجینه‌های ملی و منابع طبیعی تمام‌شدنی، تعهدات خود در سازمان جهانی تجارت را نادیده بگیرند (Van Den Bossche, 2008: 664-615).

در مورد محدودیت‌های تجاری تبعیض‌آمیز به‌دلایل امنیت اقتصادی هم می‌توان به فشارهای ایالات متحده بر چین قبل از الحاق آن به سازمان جهانی تجارت اشاره کرد. دولت ایالات متحده به‌علت کسری تراز بازرگانی خود با چین، این کشور را مجبور به محدودیت داوطلبانه صادرات خود به آمریکا می‌کرد (McCulloch و Bown, 2005: 3-7).

7-2-2- محدودیت‌های تجاری غیرتبعیض‌آمیز

اقدام‌های تجاری غیرتبعیض‌آمیز، به‌طور معمول یا به دلایلی تنها مرتبط با امنیت اقتصادی اتخاذ می‌شود، که در غیر این صورت، به جنبه‌های غیرسیاسی امنیت ملی مربوط می‌گردد. این‌گونه اقدام‌ها را می‌توان در قالب محدودیت کلی تجارت در دو بخش محدودیت تجارت خدمات، و محدودیت تجارت کالا بررسی کرد.

به‌رغم توسعه تجارت بین‌المللی خدمات، طی چند دهه اخیر و حتی نهادینه‌شدن آن با تشکیل سازمان جهانی تجارت، این حوزه هنوز هم حائز جنبه‌های امنیتی بسیاری است. هنوز هم بسیاری از کشورها حتی کشورهای توسعه‌یافته، برخی بخش‌های خدماتی را به‌علت ارتباط نزدیک با امنیت ملی در انحصار خود قرار داده، و نه فقط فعالان خارجی، بلکه حتی بخش خصوصی داخلی را هم از دخالت در این بخش‌ها منع می‌کنند. تا همین چند سال پیش، کل نظام بانکی کشور خودمان فقط در اختیار دولت قرار داشت و حتی هم‌اکنون نیز تنها بخش خصوصی داخلی اجازه مشارکت در عملیات بانکداری را از دولت گرفته است. همین وضعیت در بخش بیمه هم وجود دارد. این ملاحظات موجب شده که سازمان جهانی تجارت، آزادی عمل بیشتری به دولت‌های عضو در خصوص انتخاب بخش‌های خدماتی برای آزادسازی و حتی سطح آزادسازی در آن‌ها بدهد

(Voon و Mitchel، 2010: 321). اکثر ترتیبات تجاری دوجانبه و منطقه‌ای نیز در اساس بخش‌های خدمات را مشمول آزادسازی قرار نداده‌اند.

اقدام‌های محدودکننده غیرتبعیض‌آمیز، به دلایل امنیت ملی در تجارت کالایی هم به کارگرفته می‌شود. برای نمونه، اتحادیه اروپا، ایالات متحده و ژاپن، سال‌هاست که حمایت‌های خود از بخش کشاورزی را به علت مسائلی چون تأثیرهای اجتماعی اشتغال در این بخش، به امنیت ملی خود ارتباط می‌دهند. طبق اطلاعات منتشره توسط کمیسیون اروپا، تنها در سال 2010، اتحادیه اروپا چیزی نزدیک به 57 میلیارد یورو خرج توسعه کشاورزی کشورهای عضو کرد که از این میان، 39 میلیارد یورو صرف یارانه‌های مستقیم شد. لازم به ذکر است که در همان سال، بخش کشاورزی بیش از 40 درصد کل بودجه اتحادیه اروپا را به خود اختصاص داد (European Commission، 2012).¹ موضوع حمایت کشورهای توسعه‌یافته از بخش کشاورزی، خود از دلایل مهم اختلاف نظر میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته در جریان مذاکرات اخیر سازمان جهانی تجارت، تحت عنوان دور دوحه است، که تاکنون موجب موفق نشدن این مذاکرات شده است.

8- نقش عوامل اقتصادی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

عوامل مؤثر بر امنیت ملی کشورها همیشه یکسان نیست و زمان و مکان در تأثیرگذاری این عوامل گوناگون نقش قابل توجهی دارد. در جمهوری اسلامی ایران نیز نقش عوامل گوناگون ایجادکننده امنیت، همیشه یکسان نبوده است. مهم‌ترین این عوامل در جمهوری اسلامی ایران به طور خلاصه عبارت‌اند از: عوامل ژئوپولیتیک، شامل موقعیت جغرافیایی، وسعت، منابع طبیعی و جمعیت (امیراحمدی، 1372: 5؛ طایفی، 1372: 97؛ عزتی 1371: 89)، عوامل فرهنگی و ایدئولوژیکی (روشندل، 1374: 79-83؛ کاظمی، 1376: 97)، عوامل نظامی (ازغندی، 1374: 47 و 48) و عوامل اقتصادی (ستاری فر، 1374: 411-409).

در این میان آن‌چه در مورد عوامل اقتصادی می‌توان گفت، این است که امروزه نقش عوامل اقتصادی به طور عام و مسئله توسعه اقتصادی به طور خاص در تأمین و حفظ امنیت ملی کشورها بسیار مهم است، تا حدی که برخی ادعا کرده‌اند "امنیت یعنی توسعه، و توسعه یعنی امنیت" (آرلینگتون، 1373: 94). در این تعریف، توسعه به معنای توسعه اقتصادی است. اقتصاد ایران هم مانند اقتصاد اکثر کشورهای جهان سوم از بیماری‌های عمده‌ای چون بی‌کاری فزاینده، دوگانگی بخش‌های اقتصاد (مدرن - سنتی)، توزیع نامتعادل درآمد، استفاده نکردن بهینه از ظرفیت‌های تولیدی، اتلاف منابع سرمایه‌ای، بالابودن میل نهایی به مصرف و نبود انگیزه برای سرمایه‌گذاری، کم‌بودن سهم بخش صنعت در تولید ناخالص کشور، نبود ثبات سیاسی اجتماعی و به تبع آن بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در دهه‌های اخیر، ضعف شدید نظام آموزشی، ضعف روحیه علمی حاکم بر جامعه و مشکلات ناشی از وابستگی به خارج رنج می‌برد (عظیمی، 1373).

1. برای ملاحظه اهمیت امنیتی بخش کشاورزی از نظر مقام‌های دولت ایالات متحده، رجوع کنید به مقاله یکی از مدیران سابق بنگاه مرکزی اطلاعات (سازمان جاسوسی سیا) در این خصوص (Woosely، 2002).

در عین حال، واقعیت این است که، وضعیت مطلوب اقتصادی می‌تواند به انسجام ملی، مشروعیت سیاسی و افزایش ظرفیت کسب حمایت‌های مردمی جهت دنبال کردن سایر اهداف ملی کمک کند؛ دوم این که با توجه به ارتباط تنگاتنگی که میان توسعه اقتصادی و موفقیت سیاسی خارجی وجود دارد، اقتصاد قوی می‌تواند امنیت نظامی را نیز تأمین نماید (شهبابی و فرهی، 1374: 39-55).

سهام عوامل اقتصادی در اهداف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به‌خوبی می‌توان در اسناد بالادستی چون قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ملاحظه کرد. برای نمونه، در فصل پنجم قانون برنامه پنجم توسعه کشور بر موضوع‌هایی چون رشد اقتصادی، بهبود فضای کسب‌وکار، افزایش سطح رقابت، ارتقای اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، ارتقای بازار سرمایه، ارتقای مشارکت بنگاه‌ها، ارتقای اقتصاد صادرات محور و به‌طور مشخص تعامل و هم‌سویی با قوانین و مقررات ترتیبات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی همچون سازمان جهانی تجارت تأکید شده است.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران نیز در افق 1404 هجری شمسی، چشم‌انداز بیست‌ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را تعیین کرده است. در این سند تأکید شده که در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخص‌های کمی کلان آن‌ها از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزام‌های چشم‌انداز بیست ساله تنظیم و تعیین شود.

9- اهمیت تجارت بین‌الملل از دیدگاه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از منابع طبیعی و انسانی قابل توجهی برخوردار است. توان تولید و سرمایه‌گذاری نیز در کشور بسیار بالاست. با این حال، ایجاد اشتغال برای جمعیت به‌نسبت جوان، روبه‌رو بودن با نرخ تورم در حدود بیست و پنج درصدی و نرخ به‌نسبت پایین رشد اقتصادی در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه، می‌تواند موجب تضعیف موقعیت ایران در عرصه بین‌الملل شود. این در حالی است که کشورهای دارای اقتصاد کوچک‌تر و ضعیف‌تر از ایران با مشارکت در زنجیره تولید جهانی و هم‌سویی با فرایند جهانی شدن اقتصاد در جهت توسعه حرکت، برای مردمانشان رفاه بیشتری فراهم می‌کنند.

امروزه افزایش وابستگی‌های متقابل بین‌المللی به‌واسطه گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه بازارهای مالی و کالا و خدمات، جهانی شدن فعالیت‌های بنگاهی و بین‌المللی شدن تولید و تحول نظام‌های مدیریت، از مهم‌ترین جلوه‌های نظام اقتصاد نوین جهانی است. این شرایط جدید کشورها را به‌سوی اتخاذ سیاست‌هایی چون کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای فراراه تجارت، اصلاح نظام‌های ارزی به‌منظور افزایش انعطاف‌پذیری و قابلیت تبدیل پول‌ها، آزادسازی نظام‌های

سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد و توسعه هم‌گرایی‌های منطقه‌ای در حوزه اقتصاد به‌خصوص تجارت، افزایش مشارکت در نظام تجارت بین‌الملل (سازمان جهانی تجارت)، خصوصی‌سازی اقتصاد و حمایت از توسعه فناوری‌های نوین، سوق داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر چند تحولات اخیر در اقتصاد جهانی منافی را برای کشورهای در حال توسعه به‌دنبال داشته، اما برخورداری از این منافع برای همه آن‌ها یکسان نبوده است. به‌نظر می‌رسد، امروزه، توسعه مستلزم مشارکت کشورهای در حال توسعه در فرایند جهانی‌شدن است و در این راه کسب رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی، عاملی تعیین‌کننده محسوب می‌شود. در دنیای امروز، مرزهای سیاسی، نقش چندانی در حمایت از تولیدهای داخلی و تعیین سلايق مصرف‌کنندگان ندارد، و تولیدکنندگان غیررقابت‌مند، دیر یا زود محکوم به حذف هستند و چنان‌چه این خطر در سطح اقتصاد کشور شیوع و حتی تحقق یابد، ورشکستگی در مقیاس ملی و فقر در سطح عمومی ایجاد خواهد شد، و این امر نه فقط جنبه‌هایی خاص از امنیت ملی، بلکه به احتمال، کل موجودیت کشور را به خطر می‌اندازد.

اقتصاد ایران برای توقف اتکا به صادرات نفت و محصولات خام و تبدیل‌شدن به اقتصادی مبتنی بر تولید و تجارت رقابت‌مند و پویا، نیاز به تعامل با ترتیبات، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، هماهنگی با قواعد و مقررات حاکم بر بازارهای جهانی در جهت آزادسازی تجارت، کاهش تدریجی حمایت‌های تعرفه‌ای، حذف موانع غیرتعرفه‌ای شامل سهمیه‌ها، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مقداری، رفع تبعیض‌ها علیه واردات در مقابل کالاهای داخلی و ایجاد فضای رقابتی دارد. برای رسیدن به این مطلوب، دو دسته اقدام‌ها، یکی در بعد داخلی و دیگری در بعد بین‌المللی باید صورت پذیرد.

در بعد داخلی، جهت سازگار کردن ساختار اقتصادی و تجاری کشور با نظام تجارت چندجانبه، اقدام‌هایی از آغاز اجرای برنامه سوم توسعه به این سو به‌عمل آمد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- یکسان‌سازی نرخ ارز؛
- حذف سهمیه‌ها و محدودیت‌های مقداری؛
- تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای؛
- اصلاح قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌های خارجی؛
- اصلاح قوانین مالیاتی؛
- اصلاح نظام تعرفه‌ای در کشور.

در بعد خارجی نیز تلاش برای عضویت در سازمان جهانی تجارت به‌عنوان وسیله‌ای برای پیوند خوردن با اقتصاد جهانی در دستور کار قرار گرفته است. پیوستن به سازمان جهانی تجارت برای هر کشوری از جمله ایران می‌تواند انگیزه و نیروی محرکه لازم را در جهت انطباق با نیازها و الزام‌های بازارهای جهانی به‌وجود آورد، و سبب شود که بنگاه‌های اقتصادی با هدف کسب موقعیت بهتر در این بازارها به تلاش‌های گسترده‌تری دست بزنند.

در حال حاضر با توجه به وضعیتی که الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت پیدا کرده و نامعلوم بودن زمان الحاق، بدیهی است نه می توان و نه منطقی است که برای رسیدن به منافع تجارت بیشتر در انتظار سازمان جهانی تجارت باقی بمانیم. ضرورت این مسئله ایجاب می کند که ایران با استفاده از گزینه های مشابه دیگر به بسط تجارت و ادغام در اقتصاد جهانی دست یازد. بدین منظور، مسیر پیش رویی که برای ایران وجود دارد، ورود در انواع هم گرایی های اقتصادی است. ایران به دلیل آن که در گذشته در استراتژی های توسعه خود، استراتژی های درون نگر را پی گیری می کرده، نه در سابقه 50 ساله گات وارد این موافقت نامه شد و نه در هیچ یک از انواع هم گرایی های اقتصادی (موافقت نامه تجارت ترجیحی، موافقت نامه تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی) وارد شد. به طور کلی، می توان گفت، ایران از غیر فعال ترین کشورها در همکاری های منطقه ای و جهانی است. در شرایطی که اتحادیه های مهمی مانند اتحادیه اروپا، نفتا، آسه آن، و ... باعث ایجاد تغییرات مهمی در الگوی تجارت بین الملل شده اند، سازمان اکو به عنوان مهم ترین اتحادیه منطقه ای که ایران در آن عضویت دارد، فاقد هرگونه توفیق چشمگیری در عرصه تجارت است. رشد تجارت درون گروهی این سازمان تا به حال بسیار کند بوده و حجم مبادلات بازرگانی کشورهای عضو با هم در سال 2012 حدود 8/9 درصد کل مبادلات خارجی آنان بوده که در این میان، سهم تجارت درون اکویی ایران از کل تجارت خارجی اش کمتر از تمام دیگر اعضای اکو و حدود 4/7 درصد بوده است (ECO Secretariat, 2014: 12). این وضعیت در مورد سایر ترتیبات منطقه ای که ایران عضو آنهاست، یعنی گروه هشت کشور در حال توسعه مسلمان (دی هشت) و سازمان همکاری های اسلامی نیز صدق می کند.

جمهوری اسلامی ایران در سطح هم گرایی های دوجانبه نیز چندان فعال نبوده است، به طوری که در حال حاضر تنها با تعداد انگشت شماری از کشورها شامل پاکستان، سوریه، تونس، ازبکستان، قرقیزستان، بوسنی و هرزگوین و کوبا، موافقت نامه تجارت ترجیحی دارد که در مقایسه با ترتیبات تجاری دوجانبه معمول در جهان، از کم ترین حوزه های شمول برخوردارند. ایراد دیگر برخی از این توافقات این است که ملاحظات تجاری مبنای برقراری آنها نبوده و در نتیجه کارآیی لازم را در افزایش سطح تجارت نداشته اند. موافقت نامه های منعقد شده با کوبا و بوسنی و هرزگوین بهترین نمونه های این مشکل اند.

تأثیر رویکردهای درون نگر و حمایت گرا در سیاست تجاری جمهوری اسلامی ایران به حدی بوده که نتوانسته ایم حتی با مهم ترین شریک تجاری همسایه خود، یعنی ترکیه هم ترتیبات تجاری مؤثری ایجاد کنیم. در حال حاضر با این کشور تنها یک موافقت نامه تجارت مرزی با حوزه شمول بسیار محدود داریم که در قالب آن، ترجیحات تعرفه ای غیر قابل ملاحظه ای برای حدود 60 الی 70 کالا از هر طرف در نظر گرفته شده است (سازمان توسعه تجارت ایران، 1392: 935-1054).

این همه در حالی است که حتی کشورهایی که عضو سازمان جهانی تجارت هم هستند و از مزایای آن در گسترش تجارت نهایت بهره را برده اند، به آن اکتفا نکرده و در کنار عضویت در این سازمان، روز به روز تعداد معاهدات تجارت ترجیحی یا آزاد خود را با دیگر کشورها گسترش می دهند.

شاخص‌های دیگری چون نرخ متوسط تعرفه‌ها، تعداد طبقات تعرفه‌ای و میزان رواج رویه‌های حمایتی نامطلوب از نظر ترتیبات تجاری و سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان جهانی تجارت، نیز به‌خوبی نشان‌گر استفاده‌نکردن از ظرفیت‌های تجارت خارجی برای تحقق اهداف توسعه و رفاه است. برای نمونه، گزارشی که به تازگی در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی تهیه شده، نشان می‌دهد که ایران در سال 1392 با نرخ متوسط 19/8، بعد از سه کشور سودان، جیبوتی و موریتانی، بالاترین نرخ تعرفه‌ها را در میان کشورهای مناطق مرکز و غرب آسیا، قفقاز، خاورمیانه و افریقا دارا بوده است (راستی، 1393: 7-9). این در حالی است که متوسط نرخ تعرفه‌ها در سال 1391 بیش از 26 درصد و در نتیجه تعرفه‌های ما حتی از این سه کشور هم بالاتر بوده، لیکن بعد از افزایش شدید نرخ مبادله ارز در ایران، دولت تصمیم به کاهش تعرفه‌ها گرفته است.

10- نتیجه‌گیری

تجارت و امنیت ملی رابطه‌ای دوسویه دارند. هرچند این رابطه از هر دو طرف متضمن آثار مثبت و منفی است، اما آثار مثبت تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی و آثار منفی ملاحظات امنیت ملی بر تجارت بین‌المللی، نمود بیشتری دارند. به‌طوری‌که تجارت بین‌الملل از جهات مختلف می‌تواند به تقویت جنبه‌های اقتصادی امنیت ملی کمک کند و در عین حال، ملاحظات امنیت ملی می‌تواند اعمال محدودیت بر تجارت بین‌الملل توسط دولت‌ها را توجیه نماید. مهم‌ترین آثار مثبت تجارت بین‌الملل بر امنیت ملی عبارت‌اند از پیشبرد اهداف توسعه و افزایش رفاه و ثبات اقتصادی و اجتماعی در سطح داخلی و کاهش تنش‌های سیاسی و نظامی در سطح خارجی. در عین حال، تجارت بین‌الملل می‌تواند در صورت نبود مراقبت، موجب تهدید برخی بخش‌های اقتصادی و در نتیجه، آسیب‌های سیاسی و اجتماعی و محدودیت حاکمیت ملی شود. ملاحظات امنیت ملی نیز می‌تواند در سطح خارجی با تشویق دولت‌ها به مشارکت در ترتیبات تجاری نهادینه‌شده، و در سطح داخلی با جهت‌دهی به سیاست‌های تجاری برای تسهیل واردات یا صادرات کالاهای خاص، موجب تقویت تجارت بین‌الملل گردد. تأثیرهای منفی ملاحظات امنیتی بر تجارت بین‌الملل نیز بیشتر به شکل انواع محدودیت‌های تجاری تبعیض‌آمیز و غیرتبعیض‌آمیز بروز می‌یابد.

در این مقاله با تبیین مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در حوزه امنیت اقتصادی و بررسی تأثیرهای متقابل تجارت بین‌الملل و امنیت ملی، با تکیه بر تجربیات کشورها به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، بر نقش تجارت بین‌الملل و ترکیب منطقی سیاست‌های آزادسازی تجارت و حمایت‌گرایی در تحقق اهداف موردنظر تأکید شد.

بر این اساس، دولت‌ها می‌توانند در قالب استراتژی‌های توسعه‌ای از تجارت بین‌الملل نهادینه‌شده در چارچوب ترتیبات تجاری، به‌عنوان ابزاری برای تحقق دو هدف اقتصادی حائز جنبه‌های امنیت ملی، یعنی توسعه و رفاه سود جویند. در این‌گونه ترتیبات، در عین حال، تمهیدهای لازم برای اطمینان دولت‌ها از رعایت ملاحظات امنیت ملی‌شان پیش‌بینی می‌شود. بدین ترتیب، تلاش در جهت هم‌گرایی و تعامل با اقتصاد جهانی در قالب ترتیبات تجاری دوجانبه و منطقه‌ای و همچنین سازمان جهانی تجارت، در جهت اهداف امنیت ملی ارزیابی می‌شود.

منابع

- ازغندی، علیرضا، ارتش و سیاست، تهران، نشر قومس، 1374.
- امیراحمدی، هوشنگ، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره 71-72، مرداد و شهریور 1372.
- بابایی، غلامرضا، فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌المللی، تهران، نشر سفیر، 1369.
- بهزادی، حمید، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، انتشارات دهخدا، 1352.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی، امنیت انسانی و سیاست خارجی، گزارش پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1384.
- پورسید، بهزاد، امنیت اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری خارجی، در مجموعه مقالات همایش راه‌کارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1382.
- تارو، لستر، رویارویی بزرگ یا نبرد اقتصادی آینده ژاپن، اروپا و آمریکا، ترجمه عزیز کیانوند، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، 1373.
- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، 1377.
- تهامی، مجید، امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، تهران، سازمان سیاسی عقیدتی ارتش جمهوری اسلامی ایران، 1390.
- خضری، محمد، بازدارنده‌های اقتصادی حمله احتمالی آمریکا به جمهوری اسلامی ایران، گزارش پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1384.
- راستی، محمد، بررسی مقایسه‌ای نظام تعرفه‌ای ایران با کشورهای جهان و منطقه، در راستای پیشنهاد کاهش نرخ‌های تعرفه، گزارش تحلیلی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ثبت 3256، 1393.
- روحانی، حسن، امنیت ملی و نظام اقتصادی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ویراست دوم، چاپ پنجم، 1391.

روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت، 1387.

زاهدطلبان، علی، تحول در سیاست تجاری ایران: حرکت به سمت حاکم کردن ابزارهای تعرفه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره 2 و 3، بهار و تابستان 1385.

سازمان برنامه و بودجه، نظام طرح‌ریزی استراتژیکی؛ برنامه‌ریزی بودجه‌بندی دفاعی، تهران، 1368.

سازمان توسعه تجارت، مقررات صادرات و واردات سال 1392، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1392.

سالواتوره، دومینیک و دیگران، گات و نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل، گزیده و ترجمه احمد اخوی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1379.

ستاری‌فر، محمد، سرمایه و توسعه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، 1374.

شهابی، سهراب، میزگرد بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام منطقه‌ای، فصل‌نامه خاورمیانه، سال سوم، شماره 1، زمستان 1375.

شیرغلامی، خلیل، نگاهی به اجلاس سران گروه هشت در سال 2007، رویدادها و تحلیل‌ها، ماهنامه معاونت آموزش و پژوهشی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، شماره 210، سال بیست‌ویکم، تیر 1386.

صادقی، محسن و صادق شمشیری، نقد قانون سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی ایران (قانون خصوصی سازی) از منظر رابطه مالکیت فکری و حقوق رقابت، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره 43، تابستان 1390، 133-164.

صباغیان، علی، حمایت‌گرایی در تجارت جهانی، فصل‌نامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره 2 و 3، بهار و تابستان 1385.

طایفی، علی، مقدمه‌ای بر توسعه منابع انسانی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره 69-70، مرداد و تیر 1372.

عامری، هوشنگ، اصول روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات آگاه، 1370.

عزتی، عزت‌اله، ژئوپولیتیک، تهران، انتشارات سمت، 1371.

عظیمی، حسین، مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشرنی، چاپ سوم، 1373.

کاظمی، علی‌اصغر، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس، 1376.
کر، پائولین، امنیت انسانی، ترجمه دهقانی فیروزآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 41، پاییز 1387.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، گزارش کمیته بررسی عضویت در گات، 1374.
ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1379.

معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، لایحه قانون رقابت، مبانی نظری و تجربه کشور، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی، 1384.

موسوی زنوز، موسی، مشروعیت قوانین فراسرزمینی داماتو و هلمز - برتون با توجه به حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، 1378.

موسوی زنوز، موسی، سازوکار حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت و منافع کشورهای در حال توسعه، بررسی‌های بازرگانی، دوره جدید، سال اول، شماره 3، آذر و دی 1383.

موسوی زنوز، موسی، تحول حقوق تجارت بین‌الملل در سازمان جهانی تجارت، تهران، نشر میزان، 1392.

موسوی زنوز، موسی و حسن مرادی، ملاحظات امنیت ملی در سازمان جهانی تجارت، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 43، شماره 2، تابستان 1392.

میرمحمدی، سید محمد، "مقدمه‌ای بر امنیت اقتصادی"، فرهنگ اندیشه، سال چهارم، شماره 14 و 15، تابستان و پاییز 1384.

ناجی‌راد، محمدعلی، جهانی‌شدن تروریسم، تهران، وزارت امور خارجه، 1387.

هافندرون، هلگا، معمای امنیت: نظریه پردازی و ایجاد قواعد در زمینه امنیت

بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، سیاست خارجی، سال ششم، شماره 4، زمستان 1371.

هانینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن

ثلاثی، تهران، نشر علم، 1370.

ولی‌پور رزومی، سید حسین، سیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تابستان 1376.

Aggarwal, Vinod K., and Kristi Govella (eds.), *"Linking trade and Security: Evolving Institutions and Strategies in Asia, Europe, and the United States"*, New York: Springer, 2013.

Aslund, Andres *"Why has Russia's Economic Transformation Been So Arduous?"*, Washington D.C.: Carnegie Endowment for International Peace, 1999.

Bacchetta, Marc and Marion Jasen, "Adjusting to Trade Liberalization: the Role of Policy, Institutions and WTO Disciplines", WTO Special Studies No. 7, Geneva: World Trade Organization, 2003..

Baldwin, Robert, *"Multilateral Regionalism: Spaghetti Bowls as Building Blocks on the Path to Global Free Trade"*, in John J. Kirton, GLOBAL TRADE, UK: Ashgate Publishing, 2009.

Bardham, Pranab, *"International Trade Growth and Development"*, Malden, Massachusettes: Blackwell Publishing, 2003.

Berensmann, Katerin and Clara Brandi, "The Financial Crisis and International Trade: the Consequences for Developing Countries", Bonn: German Development Institute, Paper No.13, 2011.

Bodansky, Daniel and Jessica C. Lawrence, *"Trade and Environment"*, in D. Bethlehem, D. McRea, R. Neufeld I. Van Damme, INTERNATIONAL TRADE LAW, Oxford: Oxford University Press, 2009.

Bown, Chad P. and Rachel McCulloch, *"U.S. Trade Policy Toward China: Discrimination and its Implications"*, paper

presented at the PAFTAD 30 Conference at the East-West Center in Honolulu, 19-21 February 2005, available at www.Brookings.edu.

Donilon, Tom, "*The National-Security Case for Free Trade*", Opinion, the Wall Street Journal, Oct. 6, 2011.

ECO Secretariat, "ECO Statistical Report 2014, ECO Trade", available at www.ecosecretariat.org.

Emmerson, Andrew, "Conceptualizing Security Exceptions: Legal Doctrine or political Excuse?", *Journal of International Economic Law*, Vol. 11, No. 1, 2008, PP. 135-154.

European Commission, ec.europa.eu/budget/explained/budg_system, retrieved 12 April 2012.

Galbraith, Games K., Ludmila Krytynskaia and Qifei Wang, "*The Experience of Rising Inequality in Russia and China during the Transition*", *European Journal of Comparative Economics*, Vol. 1, No.1, 2004, PP. 87-100.

Graham, J., Thomas E., "*Russia's Decline and Uncertain Recovery*", Washington D.C.: Carnegie Endowment for International Peace, 2000.

International Court of Justice, *Case Concerning Military and Para-Military Activities in and against Nicaragua*, ICJ Reports 14, 1986.

Jackson, John H., *Sovereignty, the WTO and Changing Fundamentals of International Law*, Cambridge: Cambridge University Press, 2006.

Josheski, Dushko and Darko Lazarov, "International Trade and Economic Growth: Cross-Country Evidence", *International Journal of Business and Economics*, Vol. 1, No. 2, 2012, PP. 87-95.

Kennett, David, "*A New View of Comparative Economic Systems*", Orlando, Florida: Harcourt College Publishers, 2003.

Lester, Simon, Bryan Mercurio, Arwel Davies and Kara Leitner, "*World Trade Law: Text, Materials and Commentary*", Portland: Hart Publishing, 2008.

Long, A.G., and B.A. Leads, "Trading for Security: Military Alliances and Economic Agreements", *Journal of Peace Research*, Vol. 43, No. 4, 2006, PP. 433-451.

Maoz, Zeev, "The Effects of Strategic and Economic Interdependence on International Conflict across Levels of Analysis", *American Journal of Political Science*, Vol. 53, No. 1, 2009, PP. 223-240.

Mische, Patricia M., *"Ecological Security in a New World Order: Some Linkages between Ecology, Peace and Global Security in Non Military Aspects of International Security"*, Foreign Affairs, Spring 1989.

Oneal, John R., Bruce Russett, et al., "Causes of Peace: Democracy, Interdependence, and International Organizations, 1885-1992", *International Studies Quarterly*, Vol. 47, No. 3, 2003, PP. 371-393.

Pacheco-Lopez, Penelope and A.P. Thirwall, "Has Trade Liberalization in Poor Countries Delivered the Promises Expected?", *Studies in Economics*, No. 0911, Canterbury, Kent: University of Kent, Department of Economics, 2009.

Pelc, Krzysztof J., "Why do some countries get Better WTO Accession Terms than Others?", *International Organization*, Vol. 65, No. 4, 2011, PP. 639-672.

Shafaeddin, S.M., *Trade Liberalization and Economic Reform in Developing Countries; Structural Change or De-Industrialization?*, Geneva: UNCTAD, 2005.

Sorensen, Theodore C., *Rethinking National Security*, Foreign Affairs, Summer 1990.

Symonide, Janusz and Vladimir Volodin, "Concept and New Dimensions of Security: Introductory Remarks", In *Non Military Aspects of International Security*, Paris: UNESCO Publishing, 1995.

Tatelman, Todd B., "National Security Issues and Proposed U.S.-Oman Free Trade Agreement", Washington D.C.: Congressional Research Service, July 19, 2006.

UL Haq, Mahbub, *"New Imperative of Human Security"*, RGICS Paper No.17, Rajive Ghandi Institute for Contemporary Studies (RGICS), Rajive Ghandi Foundation, New Dehli, 1994.

Ul Islam, Aziz, "Globalization and Development Revisited in the Light of Asian Experience", Report Presented at the Asian Regional Policy Dialogue in Bangkok, Thailand, Nov. 24-26, 1999, UNCTAD/EDM/MISC.135.

UNCTAD, "Trade and Development Report, 1994", Geneva: UNCTAD, 1994.

UNCTAD Secretariat and JETRO, *"International Trade after the Economic Crisis: Challenges and New Opportunities"*, Geneva: United Nations, 2010.

UNESCAP, "Statistical Yearbook for Asia and the Pacific", UNESCAP: 2011, available at www.unescap.org/stat/data/syb2011/index.asp.

United Nations Secretary General, "Report of the Secretary General, In Larger Freedom: towards Development, Security and Human Rights for All", United Nations General Assembly: 21 March 2005, A/59/2005.

United Nations, *Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice*, New York: United Nations, 1992.

U.S. Department of State, "U.S. National Security Strategy: Ignite a New Era of Global Economic Growth through Free Markets and Free Trade", 2009, available at <http://www.sate.org/r/pa/ei/wh/15427.htm>.

US International Trade Commission, "The Dynamic Effects of Trade Liberalizaon: An Empirical Analysis", Investigation No. 332-375, Publication 3069, Washington D.C.: October 1997.

Van Den Bosssche, Peter, "The Law and Policy of the World trade organization", 2nd edn., Cambridge: Cambridge University Press, 2008.

Voon, Jania and Andrew Mitchel, "Open for Business? China's Telecommunications Service Market and the WTO", *Journal of International Economic Law*, Vol. 13, No. 2, 2010, PP. 321-378.

Ward, M.D., R.M. Siverson, et al., "Disputes, Democracies, and Dependencies: A Reexamination of Kantian Peace", *American Journal of Political Science*, Vol. 51, No. 3, 2007, PP. 583-601.

Woosely, R. James, "US Agricultural and National Security", Reprinted from: "Trends in New Crops and New Uses", 2002, J. Janick and A. Whipkey (eds.), Alexandria, Virginia; ASHS Press, 2002, available at: <http://www.hort.purdue.edu/newcrop/ncnu02/pdf/woolsey.pdf>.

WTO Trade Policy Review Body, "report to the TPRB from the Director General on Trade Related Developments", Doc. WT/TPR/OV/W3, Geneva" World Trade Organization, 2010.

